



Linguistic Research in the Holy Quran.  
Vol. 11, No. 2, 2023  
Research Paper

## **The purpose of Imagery of the similes of the Qur'an in three spheres of man**

**Somayyeh Jafari malekabadi, Seyed Mahmoud Tabatabaei\*, Seyed Hosein Seyyedi**

PhD student of Theology Faculty, Ferdowsi University of Mashhad,  
Mashhad, Iran

Assistant professor of Theology Faculty, Ferdowsi University of Mashhad,  
Mashhad, Iran

Professor of Theology Faculty, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad,  
Iran

### **Abstract**

Imagery is one of the techniques of inventing and conveying meaning, and simile is one of the strongest forms of creating these images in the Qur'an. Although it is more difficult to understand the meaning of Qur'anic similes than simple addresses, it can be seen that this format is used abundantly in the Qur'an. To answer the reason for this, that is, God's purpose in portraying these similes, one must consider the final purpose of the revelation of the Qur'an; It means humanization in all areas of its existence. Since the understanding of these goals is based on the precise understanding of the simile used and its elements, in this research the similes are first analyzed exactly and then their goals are deduced; Based on this, this article will be a fundamental, theoretical, and exploratory research, and the research method is descriptive-analytical. In expressing the necessity of such this research, in addition to the fact that the lack of understanding of the meanings and purposes of these verses hinders the achievement of the guidance goal of the Qur'an, it should be kept in mind that the imagery of the Qur'an's similes has not been analyzed with such an attitude. Among the three areas of human beings, Quranic similes do not target human actions directly, but consider insights and tendencies (beliefs, moods, and emotions); Therefore, God's goals from these images can be listed in the creation, modification, and completion of these two areas.

**Keywords:** imagery, simile, Qur'an, human's three spheres, human's insights, human's tendencies.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/))



<http://dx.doi.org/10.22108/NRGS.2023.135719.1829>

## اهداف تصویرپردازی تشبیهات قرآن در ساحت‌های سه‌گانه انسان

سمیه جعفری ملک‌آبادی<sup>۱</sup>، سیدمحمود طباطبائی<sup>۲\*</sup>، سیدحسین سیدی<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

s.jafari@mail.um.ac.ir

۲- استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

tabanet@um.ac.ir

۳- استاد گروه ادبیات و زبان عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

seyedi@um.ac.ir

### چکیده

تصویرپردازی از جمله فنون ابداع و انتقال معناست و یکی از قوی‌ترین قالب‌های ساخت این تصاویر در قرآن، تشبیه است. با وجود اینکه برداشت معنایی از تشبیهات قرآنی سخت‌تر از خطاب‌های مطابقی ساده است، مشاهده می‌شود در قرآن از این قالب به وفور استفاده شده است. برای پاسخ به چرایی این امر، یعنی هدف خداوند از تصویرپردازی این تشبیهات، باید هدف نهایی نزول قرآن را در نظر گرفت؛ یعنی انسان‌سازی در همه ساحت‌ها و وجود آن. با توجه به اینکه فهم این اهداف مبتنی بر فهم دقیق تشبیه به کار رفته و ارکان آن، در این پژوهش ابتدا تشبیهات به‌طور دقیق، تحلیل سپس اهداف آن استنباط می‌شوند. بر این اساس، مقاله حاضر، تحقیقی بنیادی نظری و اکتشافی خواهد بود و روش تحقیق نیز توصیفی تحلیلی است. در بیان ضرورت چنین پژوهشی، علاوه بر اینکه عدم درک معانی و اهداف این آیات، محل رسیدن به هدف هدایت‌گری قرآن است، باید در نظر داشت تاکنون با چنین نگرشی، تصویرپردازی تشبیهات قرآن تحلیل نشده است. از بین ساحت‌های سه‌گانه انسان، تشبیهات قرآنی، کنش‌های انسانی را به‌صورت مستقیم هدف قرار نداده است، بلکه بینش‌ها و گرایش‌ها (باورها، خلیات و احساسات) را مدنظر قرار داده است؛ بنابراین، اهداف خداوند از این تصویرپردازی‌ها در ایجاد، اصلاح و تکمیل این دو ساحت برشمرده می‌شود.

### واژه‌های کلیدی

تصویرپردازی، تشبیه، قرآن، ساحت‌های سه‌گانه انسان، بینش‌های انسان، گرایش‌های انسان.

### ۱- طرح مسئله

(سیدقطب، ۱۳۸۹، ص ۱۴). برای خلق تصاویر بدیع در آثار ادبی از قالب‌های مختلفی بهره گرفته می‌شود. یکی از این قالب‌ها تشبیه است. تصاویر ایجادشده از تشبیه در قرآن به وفور دیده می‌شود و در ضمن هر یک از این تصاویر، معانی‌ای نهفته است. فهم تصاویر بلاغی و معانی ابداع‌شده از آن سازوکار

گوینده برای انتقال معنا به مخاطب، از فنون مختلف بهره می‌گیرد و تصویرپردازی یکی از این فنون است. در قرآن کریم نیز این ابزار در ابداع و انتقال معنا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ تا جایی که برخی پژوهشگران آن را سبک برتر قرآن دانسته‌اند

مرحله بروز درونی رسیده باشند و به عبارتی به سطح رفتار نزدیک شده و در آستانه انجام رفتار قرار گرفته باشند. این دسته صفات احساسات درونی انسان نامیده می‌شود (موسوی، ۱۳۹۹، ص ۵).

برای انسان‌سازی، باید هر سه ساحت بینش، گرایش و کنش اصلاح، تکمیل یا تثبیت شود. با توجه به این مطلب می‌توان اهداف دنبال‌شده از تصویرپردازی تشبیهات قرآن را بر مبنای انسان‌سازی و ذیل ساحت‌های وجود انسان بررسی نمود و به عبارتی از چیستی اهداف نهایی تصویرپردازی تشبیهات قرآن ذیل این ساحت‌ها سؤال کرد؛ مسئله‌ای که مقاله حاضر درصدد پاسخ‌گویی به آن است.

برای دستیابی به هدف هدایتگری قرآن باید معارف و آموزه‌های آن در زندگی فکری و عملی انسان جاری شود و مقدمه آن، فهم کامل و صحیح مفاهیم قرآنی است. عمومیت لزوم این فهم و درک، شامل تمام انواع دلالت‌ها می‌شود. یکی از اسالیب بیانی مطرح در قرآن، تشبیه است که تصاویر برخاسته از آن، علاوه بر جلوه زیبایی، نقش معناآفرینی هم دارد و عدم درک این معانی، مُخل رسیدن به هدف هدایتگری قرآن است؛ بنابراین، باید این معانی و اهداف مدنظر از این تصویرپردازی‌ها مشخص شود.

در بیان ضرورت تدوین این مقاله، علاوه بر مطلب فوق، باید در نظر داشت تاکنون با چنین نگرشی، تصویرپردازی تشبیهات قرآن در هیچ اثری تحلیل نشده است؛ در صورتی که لازم است برای برداشت کامل‌تر از آیات به‌خصوص در تفاسیر، با نگاه استقلالی به این تصویرها و اهداف والایشان نگریم. این پژوهش می‌تواند زمینه توجه عمیق به اهداف تصاویر تشبیهات قرآن را در آثار دیگر به دنبال داشته باشد.

در این پژوهش، ملاک، بررسی آیاتی است که ضمن اینکه تشبیه به‌کاررفته در آن از بلاغت بیشتری برخوردار است و در ابداع و تولید معنا قابلیت بالایی دارد، از تصویرپردازی قوی‌تری برخوردار باشد. همچنین، تصاویر در دلالت بر اهداف و وضوح بیشتری داشته باشد. علاوه بر

خاصی را می‌طلبید که در برخی موارد به‌راحتی میسر نیست. با توجه به اینکه هدف کتب آسمانی و به‌طور خاص تصاویر بلاغی موجود در آن هدایت عامه مردم است و لازمه‌اش طرح گونه‌ای همه‌فهم از کلام در این کتاب‌هاست، این سؤال مطرح می‌شود که هدف یا اهداف خداوند از کاربرد چنین تصاویر بلاغی با چنان دشواری‌ها چیست؛ در حالی که مخاطب آن عموم مردم هستند.

افعال اختیاری انسان (کنش‌های انسان) دارای دو مقدمه ضروری به نام بینش‌ها و گرایش‌هاست؛ بدین معنا که هر فعل اختیاری که از انسان سر می‌زند، حتماً این دو منشأ آگاهی و میل درونی را با خود داشته است؛ در غیر این صورت صادر نمی‌شد. بینش‌ها از نوع درک، فهم و شناخت‌اند که مسیر حرکت (رفتار) را برای انسان روشن می‌کنند و گرایش‌ها از نوع میل و خواست درونی که انسان را به حرکت (رفتار) در می‌آورند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۱۶). بر این اساس، مثلث بینش، گرایش و کنش درباره انسان مطرح می‌شود؛ به نحوی که بینش‌ها و گرایش‌های انسان بر کنش‌های او اثرگذار است؛ همان‌طور که بینش‌ها نیز بر گرایش‌ها مؤثر خواهند بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۵۶).

گرایش‌ها یا اوصاف درونی انسانی در سه لایه جزئی‌تر در سه دسته محصور می‌شوند:

۱) دسته اول مربوط به گرایش‌ها و صفاتی از نوع پذیرش قلبی در وجود انسان است و به عبارتی مربوط به تمایلات انسان در حد پذیرش (تسلیم قلبی) است. این دسته ایمان و باور قلبی نامیده می‌شود.

۲) دسته دوم مربوط به گرایش‌ها و صفاتی است که در وجود انسان نهادینه شده است؛ این صفات و تمایلات انسان از حد پذیرش قلبی فراتر رفته و در وجود او به صورت ملکه در آمده است. این دسته صفات و خلیقات و ملکات انسان نامیده می‌شود.

۳) دسته سوم گرایش‌هایی است که در وجود انسان به

قرآن در تجسم بصری واقعه معراج (یاقوتی و مروج، ۱۳۹۷)؛ ۳. آثاری که به صورت مستقل به بررسی اهداف یا کارکردهای تصویرپردازی‌های قرآن پرداخته است؛ اما مختص تصویرهای بلاغی نیست؛ مانند *وظیفه الصورة الفنية فی القرآن الکریم* (الراغب، ۱۴۲۲)؛ ۴. آثاری که اهداف تصویرپردازی تشبیهات قرآنی را به صورت مستقل بررسی کرده باشد. از دسته اخیر که مربوط به این نوشتار است، کتاب، مقاله یا پایان‌نامه‌ای یافت نشد.

به‌غیر از کتاب *وظیفه الصورة الفنية فی القرآن الکریم* از احمد راغب که در آن تصویرپردازی‌های قرآن در تمام قالب‌های تصویرپردازی بررسی شده است، نوشته‌ای نزدیک به این پژوهش یافت نشد؛ در ضمن کارکردهای مطرح شده در کتاب مذکور در ساختار منطقی ارائه نشد و جامع‌ومانع نیست.

این مقاله در صدد است روند اهداف تصویرهای تشبیهات قرآن در ساحت‌های وجودی انسان را به صورت هر چه جامع‌تر بررسی کند. همچنین، این تصاویر در جای‌جای قرآن پراکنده است و احتمال دارد برخی اهداف تنها در طیفی از آیات دنبال شده باشد؛ بنابراین، این پژوهش محدود به قسمت خاصی از قرآن نمی‌شود تا زمینه کشف اهداف در دامنه گسترده‌تر فراهم باشد.

با بررسی پیشینه جمع‌آوری‌شده از آثار مربوط به تصویرپردازی تشبیهات قرآن و نمایان‌شدن خلأ موجود در زمینه اهداف، مهم‌ترین نوآوری این مقاله، تمرکز بر اهداف، کشف و تبیین آنها به صورت هر چه جامع‌تر و تنظیم و ارائه آنها در ساختار منطقی است؛ در واقع این نوآوری از چهار جهت خواهد بود: ۱. محدود به بررسی و جمع‌آوری اهداف است؛ ۲. مختص تصویرپردازی‌های تشبیهات قرآن است و سازوکار فهم صحیح این تصاویر بیان می‌شود؛ ۳. محوریت بررسی اهداف، ساحت‌های وجود انسان است و ۴. اهداف در چارچوب منطقی و جدید ارائه شده است.

آیات ذکر شده در این پژوهش با بررسی طیف گسترده‌تری از تشبیهات قرآنی این نتیجه حاصل شد که تصاویر برخاسته از تشبیهات به‌طور مستقیم کنش و رفتار اختیاری انسان را تغییر نخواهند داد؛ بلکه با اصلاح بینش‌ها، باورها، خلیقات و احساسات، زمینه اصلاح رفتار او را فراهم خواهند کرد. بر این اساس، هدف نهایی تصویرپردازی‌های تشبیهات قرآن، ایجاد، تثبیت، تکمیل یا اصلاح موارد چهارگانه مذکور است؛ البته باید به این نکته نیز توجه داشت که با توجه به تأثیر و ارتباط ساحت‌ها بر یکدیگر، گاه برخی اهداف به هر دو ساحت ربط پیدا می‌کند؛ اما ملاک در تعیین هدف آن است که تصویرپردازی مدنظر با توجه به سیاق آیات در همان سوره و همچنین در نظر گرفتن آیات دیگر در کدام ساحت کرد بیشتری پیدا می‌کند.

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، تحقیقی بنیادی نظری و از لحاظ ماهیت، اکتشافی است. روش تحقیق نیز توصیفی تحلیلی خواهد بود. از منظر نوع داده نیز، صرفاً کیفی است. روش گردآوری مطالب، روش کتابخانه‌ای است که با استفاده از کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها، فضای مجازی و همچنین نرم‌افزارهای مرتبط، این منظور برآورده می‌شود.

## ۲- پیشینه پژوهش

پیشینه آثار مربوط به این مقاله در چهار قسم قرار داده شد: ۱. آثاری که به صورت مستقل به بررسی اهداف یا کارکردهای تصویرپردازی نپرداخته‌اند؛ بلکه در ضمن بررسی آیات مشخص به صورت پراکنده به برخی هدف‌های محدود به همان آیات اشاره می‌کنند؛ مانند *الصورة الفنية فی المثل القرآنی* (علی‌الصغیر، ۱۹۸۱) و *تأملات فی البیان القرآنی: الصورة القرآنیة* (عوضین، ۱۳۹۶)؛ ۲. آثاری که به صورت مستقل به بررسی اهداف یا کارکردهای تصویرپردازی پرداخته است؛ اما به صورت جزئی و محدود اهداف مختص به آیات مشخصی را بیان می‌کند و جامع‌ومانع نیست؛ مانند کارکردهای تصویر هنری

### ۳- متن مقاله

#### ۳-۱- چارچوب مفهومی و نظری

##### ۳-۱-۱- تصویر و تصویرپردازی

##### ۳-۱-۱-۱- بررسی مفهومی تصویر

تصویر، مصدر صورت و از حروف (ص ی ر) یا (ص و ر) تشکیل یافته است و به چیزی گفته می‌شود که متصور شود و صورت قرار گیرد؛ صَوْرَةٌ تَصْوِيرًا؛ یعنی آن را به صورت درآورد (مدنی، ۱۳۸۴، ج ۸، ص ۲۷۱). همچنین، این کلمه در لغت به معنای ایجاد صورت و شکل برای چیزی یا رسم کردن چیزی آمده است (دهخدا، ۱۳۷۲، ص ۵۹۳۳).

معادل این واژه در انگلیسی، ایماژ (Image) است و در زبان فارسی نیز معادل ایماژ، کلمه خیال پیشنهاد شده است (فتوحی، ۱۳۹۷، ص ۳۸ و ۳۹). ایماژ از نظر لغت و هم در اصطلاح با تصویر یک شیء (ذهنی یا مادی) برابر است. یکی از معانی خیال در فارسی، صورت یا شکل کسی یا چیزی در ذهن است. هنگامی که خود او (آن) در جلو چشم نباشد (انوری، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۲۹۲۱)؛ در واقع خیال همان «صورت ذهنی دارای تأثیر» است که واژه انگاره در برابر آن به کار می‌رود (قراملکی، ۱۳۹۸، صص ۵۲، ۵۳ و ۵۹).

اصطلاح تصویر نه تنها در شاخه‌های علوم عصر جدید مفاهیم مختلفی دارد، حتی در ادبیات و شعر هم از مفهوم واحدی برخوردار نبوده و دائماً در حال تبدیل و دگرگونی است؛ تا جایی که هر مکتب علمی به ارائه مفهومی می‌پردازد که با فلسفه کلی آن همخوانی دارد (الرباعی، ۱۹۹۹، ص ۸۵). مفهوم این واژه که هم در بلاغت سنتی بحث و بررسی شده و هم از مسائل مهم در نقد جدید ادبی است، باوجود پژوهش‌های فراوان از ابهام برخوردار است.

##### ۳-۱-۱-۲- بررسی نظری تصویر

درباره مقوله تصویر، نظریات متفاوتی وجود دارد که از

جهات مختلفی تقسیم‌بندی می‌شود. در این نوشتار، برای بررسی این نظریات، جهات مختلف، محور تقسیم‌بندی قرار گرفته و تصویر، از جهات ماهیت، گستره و شمول اسلوبی، مناشی و کارکردها بررسی شده است.

#### أ. بررسی تصویر از نظر ماهیت

ماهیت تصویر و ارائه دیدگاه در این مورد، از مهم‌ترین دغدغه‌اندیشمندان در مکاتب مختلف به‌خصوص عربی و غربی بوده و هست. با بررسی نظریات مطرح درزمینه ماهیت تصویر، اقوال متنوع، فراوان و درعین‌حال پراکنده‌ای مشاهده می‌شود. در این پژوهش همه اقوال ذیل یک دسته‌بندی فلسفی به اقسام کیف نفسانی، کیف محسوس و مقوله فعل تقسیم شده است.

کیفیات نفسانی، مقولاتی‌اند که در نفس ایجاد می‌شوند؛ مانند غم، شادی، غضب و دوستی. از عبارات برخی از پژوهشگران برمی‌آید که ماهیت تصویر در نظر آنها کیف نفسانی است (جرجانی، بی‌تا، ص ۳۸). ارسطو و درواقع کسانی که دید منطقی و فلسفی نسبت به مفاهیم دارند، عنصر خیال را جوهر اصلی شعر به حساب آورده‌اند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، ص ۷ و ۸) و این یعنی پذیرش آن به‌عنوان کیف نفسانی.

کیف محسوس عبارت است از کیفیتی که به‌وسیله یکی از حواس ظاهری درک شود. با کمی تسامح در این اصطلاح می‌توان برخی از دیدگاه‌ها درباره تصویر را ذیل مقوله کیف محسوس مطرح کرد. دیدگاه پژوهشگرانی مانند جاحظ که لفظ را در حکم بدن برای معنا و معنا را روح الفاظ می‌داند (بی‌تا، ص ۶۸ و ۶۹)؛ همچنین، کسانی مانند عبدالقادر الرباعی که تصویر را یک ساخت عقلانی می‌دانند (۱۹۹۹م، ص ۸۵) ذیل مقوله کیف محسوس بررسی می‌شود.

برخی از پژوهشگران مانند زمخشری، (۱۴۱۸، ج ۱، ص ۴۸۷)، روزغریب (۱۹۷۱، ص ۱۹۱)، ژرارژنت (چمن‌خواه، ۱۳۸۴، ص ۳۲) و محمود عقاد (حمادی،

ح. دامنه تصویر بسیار فراخ و شامل تمام موارد اعم از کاربرد مجازی یا حقیقی می‌شود؛ دیدگاه افرادی مانند روزغریب (۱۹۷۱م، ص ۱۹۱) و شفیع کدکنی (۱۳۸۰ش، ص ۱۶).

### دیدگاه برگزیده

تصویرپردازی، عملیاتی است که به واسطه عناصر یا قالب‌هایی موجب پردازش و ایجاد تصاویر ذهنی می‌شود و به نظر می‌رسد نتوان محدودیتی از این نظر برای آن در نظر گرفت؛ در این زمینه نظریه سیدقطب، نظریه جامعی است که با انطباق بر نمونه‌های قرآنی این گستره را به خوبی نمایان می‌سازد.

### ج. بررسی تصویر از نظر مناشی

تصویرپردازی به معنای مصطلح و مورد بررسی، نیاز به منشأ شکل‌گیری دارد. بدون ماده اولیه، تصویری در ذهن انسان ایجاد نمی‌شود. در اینکه ماده اولیه شکل‌گیری تصاویر چیست و از کجا نشأت می‌گیرد، اختلاف نظراتی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

أ. تصویر فقط منشأ حسی دارد؛ دیدگاه ابو هلال عسکری (الراغب، ۱۴۲۲، ص ۲۳) و همچنین مکتب کلاسیسم (فتوحی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۰).

ب. تصویر فقط منشأ غیرحسی دارد (مکتب رمانتیسم ظاهراً چنین دیدگاهی دارد (فتوحی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۷).

ج. تصویر هم منشأ حسی و هم منشأ غیرحسی دارد (البطل، ۱۹۸۰، ص ۳۰). از نظریه سیدقطب نیز به دست می‌آید که ایشان در خصوص تصاویر قرآن، منشأ را حس و خیال می‌داند (۱۴۱۵ق، ص ۶۰ و ۶۱).

د. تصویر دارای منشأ حسی، وهمی و عقلی است (قراملکی، ۱۳۹۸، ص ۶۷).

### دیدگاه برگزیده

به طور قطع بدون آگاهی قبلی، تصویری در ذهن ایجاد

۱۴۲۸، ص ۱۶۰ و ۱۶۱)، در بیان مفهومی از تصویر، آن را طوری تعریف و تبیین کرده‌اند که بیشتر به مقوله فعل مربوط می‌شود و تداعی‌کننده یک عمل است؛ به عبارتی تصویر را به تصویرگری یا تصویرپردازی تعریف کرده‌اند.

### دیدگاه برگزیده

در مبحث تصویرپردازی ادبی، یک اصطلاح با عنوان تصویر و یک اصطلاح به نام تصویرپردازی وجود دارد. اصطلاح اخیر به معنای پردازش و ایجاد مورد اول است؛ بنابراین، تصویر، دیگر از مقوله فعل نخواهد بود و صرفاً یک کیفیت است؛ به عبارتی دیگر، مصدر نیست و حداکثر اسم مصدر است. با توجه به اینکه لحاظ صورت و معنا به صورت مستقل امری است نشدنی و باید عملیات تصویرپردازی در عالم ذهن صورت گیرد، باید آن را کیف نفسانی به شمار آورد.

### ب. بررسی تصویر از نظر گستره

منظور از عنوان فوق این است که تصویرپردازی غیر از برخی کاربردهای مجازی در کلام، چه موارد دیگری را در برمی‌گیرد. برخی دیدگاه‌ها در این زمینه عبارت‌اند از:

أ. دامنه تصویر فقط شامل استعاره می‌شود (نعیم الیافی، ۱۹۸۲، ص ۴۸).

ب. دامنه تصویر شامل استعاره و تشبیهات مرکب می‌شود. (نظر سکاکی و برخی شارحین تلخیص) (الراغب، ۱۴۲۲، ص ۳۰).

ت. دامنه تصویر فقط شامل استعاره و تشبیه می‌شود (دیدگاه میدلتون موری) (ولک و وارن، ۱۹۴۹، ص ۲۱۰).

ث. مهم‌ترین دامنه تصویر استعاره و تشبیه است؛ ولی گستره آن برخی تعابیر توصیفی را هم در بر می‌گیرد (عقیده سی دی لویس) (صباغ، ۱۴۰۹، ص ۴۸۹).

ج. دامنه تصویر بسیار گسترده و شامل تمام کاربردهای مجازی می‌شود (ظاهر عبارت مورفین) (فتوحی، ۱۳۹۷، ص ۴۲).

### ۳-۱-۱-۳- برداشت نهایی

در مبحث تصویرپردازی هنری سه مقوله مستقل وجود دارد؛ تصویر، تصویرپردازی و عناصر ساخت تصویر. خلط کردن این سه عنصر در نظریات مطرح شده نمونه‌ای از آسیب‌شناسی این مقوله است. با دقت نظر به این مسئله باید گفت تصویر تنها یک صورت و نقاشی خیالی منشأ اثر است که به واسطه عملیاتی وارد ذهن شده و در قوه خیال یا حافظه بایگانی می‌شود. منشأ شکل‌گیری آن نیز حس و تجربه، عقل، شهود و وحی است. به عملیات ساخت و پردازش تصویر که عملیاتی هنری است، تصویرپردازی گفته می‌شود؛ این عملیات به واسطه قالب‌ها و عناصری انجام می‌گیرد که دامنه‌ای گسترده دارد.

### ۳-۱-۲- تشبیه

تشبیه بر وزن تفعیل و از ماده (ش ب ه) است. شبّه را نوعی مس دانسته‌اند که بر آن دارویی می‌ریزند و رنگ آن زرد می‌شود و از آن نظر که به طلا تشبیه می‌شود، آن را شبّه می‌نامند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۵۸) ابن‌منظور تشبیه را همان تمثیل معنا کرده و قائل است که شبّه، شبّه و شبیه به معنای مثل هستند و وقتی گفته می‌شود یک شیئی به شیئی دیگر شباهت دارد؛ یعنی مثل آن است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۵۰۳).

از علمای بلاغت تعاریف مختلفی از تشبیه بیان شده است که همه آنها حول یک محور تحلیل پذیرند و آن اشتراک چیزی با چیز دیگر در امر یا امور متعدد است (علی‌الصغیر، ۱۴۲۰، ص ۷۷). سکاکی تشبیه را مشابهت بین دو چیز از یک جهت و تمایز بین آن دو از جهات دیگر می‌داند (۱۴۰۷، ص ۴۳۹).

اصل تشبیه در ادوار مختلف چندان تغییری نداشته است. می‌توان عمده تغییرات در باب تشبیه را از دو جهت دانست؛ یکی انواع تشبیه که تقسیمات متنوعی برای تشبیه در هر دوره ارائه می‌شده و دیگر بحث از میزان مشابهت بین مشبه و مشبه‌به است. برخی مانند قدامه قائل‌اند، هر

نمی‌شود. بحث در این است که چنین معرفتی از کجا فراهم و زمینه‌ساز ایجاد تصویر می‌شود. به نظر می‌رسد در این قسمت هم محدودیتی وجود ندارد و متکلم از هر منشأی که این شناخت حاصل شود، می‌تواند به ساخت تصویر بپردازد. مبادی شناخت انسان شامل موارد حس، تجربه، عقل، شهود (شامل حقیقت و وهم) و وحی است؛ بنابراین، می‌توان این موارد را مناشی تصویر دانست. در رابطه با تصاویر قرآن هر چهار مورد را می‌توان دخیل دانست. مسلم است منبع وحی همچنین شهودات نفسانی، در برخی موارد زمینه ترسیم تصاویر دقیق و کامل‌تری از قرآن را فراهم می‌کند.

### د. بررسی تصویر از نظر کارکرد

دیگر جهت بحث از تصویر، می‌توان کارکرد مترتب بر آن را ذکر کرد. از بین دیدگاه‌های مطرح، سه دیدگاه کلی برداشت می‌شود:

ا. تصاویر غالباً تأثیر بینش‌افزایی دارد (کپس، ۱۳۸۲، ص ۱۳۰).  
ب. تصاویر غالباً تأثیر گرایشی دارد (عصفور، ۱۹۶۹، ص ۳۹۲). مکاتب فکری رمانتیسیم و واقع‌گرایی نیز چنین دیدگاهی دارند (فتوحی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۷ و ۳۱۲).  
ج. تصاویر هم تأثیر بینشی و هم تأثیر گرایشی دارد؛ به عبارتی هم ایده بخشی دارد و هم احساس‌افزایی. (دیدگاه افرادی مانند احمد شایب (قصبجی، ۱۹۹۶، ص ۲۴۲)، احمد الراغب که مبنای کتاب وی، *وظیفه الصورة الغنیة فی القرآن*، هر دو تأثیر است و موارد دیگر (محمدقاسمی، ۱۳۸۷، ص ۴)

### دیدگاه برگزیده

ایده اصلی این رساله که محور دسته‌بندی فصول نیز قرار گرفته، براساس نقش بینش‌ها و گرایش‌های انسان بر کنش‌های اوست و هر دو مقوله (تأثیر بینشی و گرایشی) را هم از نظر اهداف تصویرپردازی و هم از نظر کارکردهای مترتب بر تصویرپردازی می‌پذیرد.

همچنین آثار و برکاتش وابسته به زمینی است که در آن فرو رفته است؛ شاخ و برگ‌هایی برافراشته سمت آسمان دارد؛ با صلابت ایستاده است؛ از شاخه‌هایش جوانه بیرون می‌زند؛ میوه‌هایش طیب و حلال است و به اذن الهی همیشه ثمر می‌دهد.

خُبث در لغت به معنای بدی و ناپسندی است و به هر چیز فاسد و بد خبیث گفته می‌شود (فراهدی، ۱۴۰۹، ج ۴، ص ۲۴۹). فعل اجْتَثَّ نیز از ماده یَجَثُّ به معنای بریده گرفته شده است و شجرهٌ مجتَثَّةٌ یعنی درختی که از زمین کنده می‌شود و ریشه‌ای ندارد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۱۲۶)؛ بنابراین، شجرهٌ خبیثهٌ یعنی درختی ناپسند و فاسد. تعبیر خبائث برای درخت بیانگر آثار شومی است که به همراه دارد. این تشبیه، تصویر درختی را تداعی می‌کند که نه تنها امید هر نوع برکت و ثمردهی از آن سلب می‌شود، به علت جداشدن از زمین قرار و ثباتی ندارد و با هر باد و طوفان به سمتی می‌رود؛ بنابراین، ممکن است آثار ناپسند و شومی را به دنبال داشته باشد.

## ۲. مشبه (کلمه طیبه و کلمه خبیثه)

عده‌ای، کلمه طیبه را الفاظ توحید و شهادت به لاله‌الاله و از آن طرف کلمه خبیثه را الفاظ دال بر شرک می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۸۰ و ۴۸۱). از نظر برخی دیگر، کلمه به معنای وسیع خود همه موجودات را در بر می‌گیرد؛ بنابراین، به مخلوقات کلمه اللّٰه گفته می‌شود. همچنین، چون طیب هرگونه پاکی و پاکیزگی است، این مثال شامل هر سنت، دستور، برنامه، روش، عمل هر انسان و خلاصه هر موجود پاک و پربرکتی می‌شود و همه اینها همانند یک درخت پاکیزه است (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۴۱۱).

از نظر علامه طباطبایی کلمه طیبه، اصل توحید است، نه الفاظ دال بر توحید. علامه با توجه به آیات دیگر قرآن که در آنها واژه کلمه به کار رفته و همچنین با توجه به تعبیر قول ثابت که در آیه دوم بیان شده است، نتیجه می‌گیرد

چه این شباهت بیشتر باشد، بهتر است (ابن‌حجّه، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۸۷) و عده‌ای مانند بدوی طبانه، شباهت کمتر را حسن می‌دانند. او معتقد است اختلاف زیاد، نشانه دقت و حساسیت بیشتر نویسندگان یا متکلم است (طبانه، ۱۳۷۷، ص ۸۱). ادبیات مدرن بیشتر از طرفداران نظریه دوم است. سور رئالیسم‌ها عالی‌ترین وظیفه شعر را آن می‌دانند که دو امر نامرتب را کنار هم قرار دهند و آنها را به نحوی غافلگیرکننده در هم آمیزند (فتوحی، ۱۳۹۷، ص ۲۵ و ۲۶).

## ۲-۳- اهداف مرتبط با بینش انسان

اولین و ریشه‌ای‌ترین ساحت وجودی انسان، بینش و آگاهی‌های اوست که هم عامل شکل‌گیری ساحت دوم (گرایش‌ها) است و هم بر ساحت سوم (کنش‌ها) اثر می‌گذارد. بسیاری از تصویرپردازی‌هایی که در قالب تشبیهات قرآن ترسیم می‌شود، در راستای تأثیر در ساحت بینش انسان است که در ادامه با بررسی پنج آیه از قرآن، به بررسی برخی از این اهداف پرداخته می‌شود.

### ۱-۲-۳- سوره مبارکه ابراهیم، آیات ۲۴ و ۲۶

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ (۲۴) ... وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ (۲۶)

در آیات فوق، دو تشبیه به کار رفته است؛ کلمه طیبه به شجره طیبه و کلمه خبیثه به شجره خبیثه تشبیه شده است. برای کشف تصویر برخاسته از این تشبیهات و اهداف آنها ابتدا باید ارکان آن، تحلیل شود.

### ۱. مشبه به (شجره طیبه و شجره خبیثه)

طیب در لغت مخالف خبیث و به معنای پاکی است (جوهری، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۷۳). با دقت در ویژگی‌های شجره طیبه، خصوصیات زیر برداشت می‌شود: موجودی زنده است؛ رشد می‌کند؛ از زمین تغذیه می‌کند؛ ریشه‌هایی دارد که در زمین فرو رفته است (حفظ صلابت این درخت



### هدف تصویرپردازی

با بررسی این سوره از ابتدا تا آیات مورد بحث روشن می‌شود چینی آنها حول محور توحید، شرک، کفر و معرفت‌بخشی نسبت به آثار آنها در زندگی انسان است. با در نظر گرفتن پیوند بین این آیات به دست می‌آید که تصویرپردازی این تشبیه در ضمن اینکه در زمینه برخی ویژگی‌های توحید و کفر درصدد ایجاد نگرش جدید برای خواننده است، بینشی را که آیات قبل نسبت به برخی دیگر از صفات ایجاد کرده است را نیز تکمیل می‌کند. از جمله طبق آیه سوم همین سوره و برخی آیات دیگر<sup>۱</sup>، صفات برخی از کافران بازداشتن مردم از راه خدا و منحرف کردن راه حق توسط آنان است که می‌توان آن را نمونه‌ای از شومی کافران به حساب آورد. خداوند با تبیین این صفت درصدد است بینش مخاطب را نسبت به کافران و ماهیت کفر و شرک افزایش دهد. همچنین، توکل انسان‌های مؤمن و موحد به خداوند که در همین سوره سه مرتبه بیان شده و صبر در مقابل آزار کافران بیان‌کننده ثباتی است که از توحید آنها نشأت گرفته است. تصاویر بیان‌شده در قالب این دو تشبیه، از یک طرف درصدد تبیین ماهیت توحید و شرک برای مخاطب است؛ اما به گونه‌ای ملموس‌تر این امور انتزاعی را برای او مجسم می‌کند تا با این شیوه مخاطب درک راحت‌تر و بینش کامل‌تری نسبت به آنها به دست آورد و نیز نسبت به برخی صفات مانند زنده‌بودن توحید، رشد و نمو آن یا بی‌ریشه بودن کفر نگرشی نوین ایجاد می‌کند؛ بنابراین، می‌توان غرض این تصویرپردازی را هم ایجاد هم تکمیل بینش مخاطب دانست. به‌طورقطع این تغییر در بینش، هم در گرایش‌های مخاطبین نسبت به این دو مقوله تأثیرگذار خواهد بود و هم در کنش‌های آنها در زندگی روزمره و اتخاذ رفتارهای توحیدی یا غیرتوحیدی مؤثر واقع می‌شود.

مراد از کلمه طیبه اصل توحید است (۱۴۰۲، ج ۱۲، ص ۵۲) و در مقابل آن، کلمه خبیثه نیز اصل شرک خواهد بود که بیشتر تفاسیر دیگر نیز آن را به شرک تفسیر کرده‌اند (زمخشری، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۵۵۳ و بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۳۳۵). با توجه به دیدگاه علامه، اصل توحید و اعتقاد حقه به آن، به درختی تشبیه شده که ریشه‌هایش در نهاد بشر ریشه دوانده و محکم شده است. سائر عقاید حقه براساس آن و روی آن بنا می‌شوند، فضایل اخلاقی از آن جوانه‌ها منشعب می‌شوند و اعمال صالح به صورت میوه از آنها سر می‌زند.

با توجه به آنچه گفته شد نوع تشبیهات به‌کاررفته، تشبیه مفرد به مقید است و با توجه به مقارنه صورت‌گرفته، وجه‌شبه عبارت است از رشد و نمو همراه با برکات سرمدی و همیشگی (وجه‌شبه مرکب: تشبیه تمثیل).

براساس تشبیه مذکور، اصل توحید صرف اعتقادی بی‌روح نیست؛ بلکه موجودی است زنده که جایگاه اصلی‌اش ضمیر انسان است؛ ولی آن‌چنان رشد کرده و گسترده می‌شود که دامنه‌اش از درون و ضمیر انسان بیرون می‌زند و هویدا می‌شود. حرکت در ساخت پیکره این تصویر نقش مهمی ایفا می‌کند. در واقع در تصویر درختی که همواره در حال رشد است، شاخ و برگ زده سر به فلک می‌کشد و به صورت سرمدی در حال ارائه میوه است، حرکت موج می‌زند.

تشبیه دوم که مجسم‌کننده شرک است، بیان‌کننده صورتی بی‌روح از جسد درختی است که نه رشد می‌کند نه ثمر می‌دهد؛ اما بر سر راه افتاده و چون از زمین کنده شده است، قرار و ثباتی ندارد و به این طرف و آن طرف می‌رود. همچنین، آن‌چنان شوم است که نه تنها سود و برکتی در زندگی شخص مشرک ندارد، همانند یک مانع بر سر راه دیگران است که اثری جز ضرر به دنبال نخواهد داشت و دامنه این شومی افراد دیگر را نیز در بر خواهد گرفت.

<sup>۱</sup> ابرهیم: ۳، نساء: ۶۰، اعراف: ۴۵، انفال: ۴۷، هود: ۱۹ و ...

## ۲-۲-۳- سوره مبارکه حشر، آیات ۱۵ و ۱۶

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاتُ أُولٍ وَآلٍ أَنزَلْنَا إِلَيْهِمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَ وَالنُّورَ لَعَلَّ هُمْ يَرْجِعُونَ  
عَذَابٌ أَلِيمٌ (15) كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ  
قَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (16)  
أ. آیه اول

در آیات فوق، دو تشبیه به کار رفته است که مرتبط به یکدیگرند. در آیه پانزدهم، کمثل خبری است که مبتدای آن حذف شده و تقدیرش مثلهم کمثل ... است. درباره مشبه و مشبه‌به در تفاسیر اختلاف است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۹، ص ۵۱۰ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۶۵۸) و همان‌طور که در تفسیر المیزان آمده، سیاق آیات مؤید دیدگاهی است که مشبه را یهودیان بنی‌نضیر و مشبه‌به را یهودیان بنی‌قینقاع تفسیر کرده است (۱۴۰۲، ج ۱۹، ص ۲۱۳). در این صورت، وجه‌شبهه بین این دو طایفه عبارت است از اعتمادکردن به منافقین و فریب‌خوردن، عهدشکنی با پیامبر و عاقبت دردناک داشتن. فهم دقیق این تشبیه به بررسی ویژگی‌های مشبه‌به بستگی دارد که برخی از آنها عبارت است از:

- ۱) وعده به نصرت از طرف منافقین؛
- ۲) عهدشکنی با پیامبر؛
- ۳) عدم حمایت از طرف منافقین؛
- ۴) بیرون شدن از وطن و چشیدن طعم تلخ کار خود؛
- ۵) عذاب دردناک.

## هدف تصویرپردازی

با توجه به اینکه هم مسلمانان و هم اهل کتاب سرانجام طایفه بنی‌قینقاع و نتیجه همکاری منافقین با آنها را با چشم خود دیدند، خداوند با تشبیه احوال بنی‌نضیر، تصویر واضحی از سرانجام کار آنها که امری نامشخص است، مجسم می‌کند. تصویر گروهی که به شدت فریب خوردند و طعم تلخ کار خود را چشیدند و چیزی جز ذلت و خسران نصیبشان نشد.

با توجه به عبارت تَحَسَّبُهُمْ جَمِيعًا وَ قُلُوبُهُمْ شَتَّى در آیه قبل، هدف از ترسیم چنین تصویری در درجه اول اصلاح این بینش در مسلمانان است که گمان نکنند یهودیان و منافقین با یکدیگر متحدند؛ بلکه میانشان تفرقه است و دل‌هایشان از هم پراکنده است، درست مانند زمانی که یهودیان بنی‌قینقاع و منافقین با هم متحد بودند و منافقین به آنان وعده یاری می‌دادند؛ اما هرگز به این وعده‌ها پایبند نبودند.

نکته دیگر اینکه پیوند این آیات با آیات پیشین بیانگر این است که این آیات بعد از ماجرای شکست بنی‌نضیر و تبعید آنها نازل شده است و جنبه پیشگویی ندارد (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۵۳۶)؛ بنابراین، هدف این است که هرگونه احتمال نصرت و یاری منافقین به اهل کتاب را در درجه اول برای مسلمانان، سپس اهل کتاب از بین ببرد و بینش واقعی جایگزین آن کند.

## ب. آیه دوم

بررسی تشبیه نخست، زمینه‌ساز تحلیل صحیح تشبیه دومی است که در ادامه آیه به کار رفته است. در آیه شانزدهم، مشبه همان منافقینی است که به یهودیان وعده فریب می‌دهند و آنان را به مخالفت با رسول خدا تشویق می‌کردند و مشبه‌به، شیطان است که تمام همتش دعوت به کفر و دادن وعده دروغین است.

شیطان به‌عنوان دشمن قسم‌خورده انسان، تصویر شناخته‌شده‌ای برای مخاطب قرآن دارد؛ تصویر موجودی که تنها هدفش فریب است و آیه با این تصویر، احساس شنونده را در مسیر انزجار از منافقین سوق می‌دهد. ویژگی‌های این مشبه‌به عبارت‌اند از:

- ۱) دعوت به کفر؛
- ۲) وعده نصرت؛
- ۳) خلف وعده؛
- ۴) اعلام انزجار؛
- ۵) ترس از خداوند.

## هدف تصویرپردازی

ترسیم تصویر شیطانی از منافقین گرچه ماهیت منافقین را کاملاً واضح برای مخاطب بیان می‌کند و نوعی بینش افزایی دارد، همان‌طور که بیان شد با توجه به سیاق آیات، هدف این تصویرپردازی بیشتر در این مسئله ظهور دارد که بر طرز فکری که قائل به کمک و یاری از طرف منافقین به‌خصوص برای اهل کتاب است، خط بطلان بکشد تا کوچک‌ترین امیدی مبنی بر یاری و همکاری آنان را از بین ببرد (اصلاح بینش)؛ زیرا با پردازش این تصویر، منافقین ذاتی جز وسوسه‌گری نخواهند داشت و آنچنان وجودشان را ترس از خدا و رسول او فرا گرفته است که در برهه سختی، صحنه را رها خواهند کرد.

## ۱. مشبه

این تشبیه در چند آیه دیگر قرآن تکرار شده است<sup>۱</sup> و مفسرین در رابطه با حیات دنیا اختلاف نظر دارند. با توجه به سیاق و تقابلی که بین حیات دنیا و آخرت در آیه صورت گرفته است، همچنین عدم تخصیص در آیه، به نظر می‌رسد مراد از حیات دنیا همان ماهیت و حقیقت حیات دنیوی در مقابل عالم آخرت است که حیاتی مادی، فریبنده، آغشته به تمتعات و زوال‌پذیر است و به قول علامه به دور سلسله‌ای از عقاید اعتباری و غرض‌های موهوم می‌شود و در مقابل آن عالمی قرار دارد که حقیقتی ثابت است (۱۴۰۲، ج ۷، ص ۵۷ و ج ۱۸، ص ۲۴۹).

## ۲. مشبه به (لهو و لعب)

از ریشه ل ع ب دو کلمه مشتق شده است که مابقی کلمات از آن دو متفرع می‌شود؛ یکی اللَّعِب و دیگری اللَّعَاب. اللَّعِب و اللَّعِبُ ضِدٌّ جِدِّ و جدیت و به معنای هزل و بیهوده است و اللَّعَاب به آبی اطلاق می‌شود که از دهان بچه جاری می‌شود (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۵۳). تعبیر لَعِباً به اضطراب موج گفته می‌شود؛ زیرا کشتی‌ها و انسان‌های درون کشتی را به سمتی که اراده کرده بودند، سیر نمی‌دهد و بیهوده به این طرف و آن طرف می‌برد. فَعْلٌ يَلْعَبُ لَعِبًا و لَعْبًا، نیز درباره کسی به کار می‌رود که با وسیله‌ای بازی می‌کند (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۱۴۸). در واقع حقیقت زندگی دنیا به نوعی بازی تشبیه شده است که هیچ نفع و سودی از آن دنبال نمی‌شود.

با بررسی واژه لهو در کتب لغت، در مجموع دو نحو معنا برای آن ذکر شده است؛ یکی هوی و هوسی که انسان را مشغول می‌کند (ازهری، ۱۴۲۱، ج ۶، ص ۲۲۵) و دیگر آنچه انسان را از امری که برای او لازم و مهم است، باز می‌دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۷۴۸). در واقع

## ج. جمع‌بندی دو آیه

تصویرپردازی در دو آیه مذکور، در حیطه انسان‌شناسی و هدف نهایی آن اصلاح دیدگاه مسلمانان درباره انسان‌هایی است که در قالب جریان‌های معاند با آنها به دشمنی می‌پردازند. تصویر شکل گرفته از این قالب بلاغی به مسلمانان به‌خوبی تفهیم می‌کند که دشمنانشان آن‌گونه که ظاهرشان نشان می‌دهد، متحد و قوی نیستند و نفاق و عدم ایمان، قدرت درونی‌شان را سلب می‌کنند و صرفاً موجوداتی ترسو و بزدل هستند.

## ۳-۲-۳- سوره مبارکه انعام، آیه ۳۲

وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

آیه فوق، حیات دنیا را در قالب تشبیهی بلیغ به صحنه قابل مشاهده لهو و لعب تبدیل می‌کند و آن را به صورت حسی به تصویر می‌کشد. مقدمه فهم واضح این تصاویر، تحلیل دقیق ارکان این تشبیه است.

<sup>۱</sup> عنکبوت: ۶۴، محمد: ۳۶، حدید: ۲۰.

۳۱): سپس سیر این آیات منتهی به تشبیه زندگی دنیا به بازی و سرگرمی می‌شود.

با توجه به اینکه آیات قبل از تشبیه مذکور درصدد معرفت‌بخشی نسبت به ناپایداری حیات دنیوی و هلاکت امت‌هایی است که به انواع متاع دنیوی تمکن یافته و به آنها سرگرم بودند، این تشبیه به همراه تصویری که از دنیا ارائه می‌دهد، با بیانی مجزا درصدد است بیش مخاطب نسبت به ماهیت دنیا و غفلتی که این دنیا نصیب اهل خود خواهد کرد را تکمیل کند.

### ۳-۳- اهداف مرتبط با گرایش‌های انسان

ساحت دوم وجودی انسان (گرایش‌ها) براساس عمق نهادینه‌شدن آنها در شاکله وجودی انسان به سه دسته ایمان یا باور قلبی، خلیات و احساسات تقسیم می‌شود. در ادامه و ذیل سه آیه از قرآن کریم که مرتبط با این سه دسته‌اند، اهداف خداوند از تصویرپردازی تشبیهات بررسی می‌شود.

#### ۱-۳-۳- سوره مبارکه انبیاء، آیه ۱۰۴

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجِلِّ لِّلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنا إِنَّا كُنَّا فاعِلِينَ

#### مشبه

در آیه مدنظر، یکی از نشانه‌های قیامت درهم‌پیچیده شدن آسمان است؛ فهم چنین حادثه‌ای نه تنها برای انسان دشوار است، تصورکردن آن نیز دور از ذهن است.

#### مشبه‌به

در آیه فوق، درهم‌پیچیده شدن آسمان توسط خداوند به طَيِّ السَّجِلِّ لِّلْكُتُبِ تشبیه شده است. واژه سَجَلْ در کتاب‌های لغت به دو معنای کتاب (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۳۶) و کاتب (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۳۲۶) آمده که معنای دوم به‌عنوان قول ضعیف بیان شده است. کتاب نیز از نظر لغوی هم به صحیفه، هم به صرف مطالب

لهو مشغولیت به لذات، تمتعات و امور بی‌ارزش است؛ به نحوی که انسان را از امور مهم بازمی‌دارد. در نظر علامه، با توجه به اینکه دنیا انسان را از مهمات حیات اخروی‌اش که حیاتی حقیقی و دائمی است بازمی‌دارد، نوعی لهو به حساب می‌آید (۱۴۰۲، ج ۷، ص ۵۷).

علامه ذیل آیه ۶۴ سوره عنکبوت، مقارنه‌ای زیبا بین حیات دنیا و بازی کودکان برقرار می‌کند و بدین صورت تصویر واضحی از این تشبیه ترسیم می‌کند:

۱) کودکان با ولع، شور و هیجان یک بازی را شروع می‌کنند؛ اما به سرعت بازی آنها به اتمام می‌رسد و از یکدیگر جدا می‌شوند. زندگی دنیا نیز با وجود حرص، ولع و هیجان انسان‌ها به سرعت زوال می‌پذیرد و باطل می‌شود.

۲) کودکان هنگام بازی بر سر اموری وهمی و خیالی با هم نزاع می‌کنند و به شدت درگیر می‌شوند (غرض‌های وهمی را دنبال می‌کنند). مردم نیز در دنیا بر سر اموری از قبیل همسر، فرزندان، مقام، ریاست و ... که چیزی جز اوهام نیستند، با یکدیگر نزاع می‌کنند و می‌جنگند.

۳) کودکان در بازی خود مالک امور وهمی و خیالی می‌شوند. مردم نیز در دنیا فقط به صورت وهمی و خیالی مالک منافع دنیوی هستند.

### هدف تصویرپردازی

سایق آیات از ابتدای سوره تا آیه مورد بحث تأثیر مهمی در فهم هدف تصویر ارائه شده دارد. این آیات درباره کسانی است که به خدا دروغ بسته، آیات الهی و حیات اخروی را تکذیب کرده‌اند. در بین این آیات به بیان این مطالب پرداخته شده است؛ موقت بودن حیات دنیوی (آیه ۲)، هلاکت امت‌هایی که به انواع متاع دنیوی تمکن یافته بودند (آیه ۶)، عاقبت مکذبین (آیه ۱۱)، فرارسیدن روز حشر و مؤاخذه مشرکین (آیه ۲۲)، عرضه عذاب الهی و پشیمانی منکرین از تکذیب آیات الهی و حیات اخروی (آیات ۲۷ و ۲۹)، اعتراف به حق در قیامت (آیه ۳۰) و خسران و حسرت زیاد تکذیب‌کنندگان لقای الهی (آیه

### هدف تصویرپردازی

تصویر برخاسته از این تشبیه، گرچه برای مخاطب نسبت به کیفیت تحقق قیامت نوعی بینش‌افزایی به همراه دارد، به نظر می‌رسد هدف والاتری در این تصویرپردازی پیدا می‌کند؛ در واقع این تشبیه، تصویر کیفیت تغییر و تحول آسمان در صحنه قیامت به دست قدرت لایزال الهی را با ایجاد نوعی هول و هراس در ذهن مخاطب ترسیم می‌کند تا با تبیین تحقق بسیار آسان چنین حوادث عظیمی به واسطه قدرت بی‌نهایت الهی، زمینه پذیرش قلبی مخاطب و به اصطلاح ایمان و باور او نسبت به امکان وقوع قیامت را در او فراهم کند.

### ۲-۳-۳- سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْغُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى  
كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ  
فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا

در آیه مدنظر، ابتدا مؤمنینی که صدقاتشان به سبب دو آفت منت‌گذاری و اذیت‌کردن باطل می‌شود، به فرد بی‌ایمانی تشبیه شده‌اند که از روی ریا و نفاق زیاد، مبادرت به انفاق می‌کنند و در ادامه، تشبیه دیگری برای این افراد بی‌ایمان بیان می‌شود.

### مشبه

مشبه شخص بی‌ایمانی است که در اوج ریا، انفاق می‌کند که در رابطه با آن، دو خصوصیت درخور توجه است: نخست آنکه چنین شخصی به سبب عدم ایمان، به دنبال اجر الهی نیست و دوم آنکه با توجه به رثاء که بر وزن فعال است و کثرت و مبالغه را می‌رساند، در نمایاندن انفاق خود زیاده‌روی می‌کند و تمام تلاشش این است که انفاق خود را به مردم بنمایاند و هیچ نیت خیر دیگری ندارد.

نوشته شده درون آن و هم به مجموع صحیفه و نوشته‌های آن اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۹۹). فعل طیّ نیز به معنای پیچیدن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۵۳۳). با توجه به معنای لغوی، در تفسیر آیه دو احتمال پذیرفتنی مطرح می‌شود؛ نخست آنکه سجل به معنای کتاب دانسته شود؛ ولی مراد از کتب نوشته‌های درون صحیفه لحاظ شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۹۹)؛ دوم آنکه سجل به معنای کاتب و کتب، جمع کتاب به همان معنای معروف باشد (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۷، ص ۱۱۶). در هر دو نوع تفسیر بحث از پیچیده‌شدن صحیفه‌ای است که در آن نوشته‌هایی وجود دارد؛ بنابراین، مشبه، پیچیده‌شدن آسمان توسط خداوند در روز قیامت و مشبه‌به، پیچیده‌شدن صحیفه در انتهای کتابت توسط کاتب خواهد بود.

### وجه شبه

تصویر مذکور بیان‌کننده قدرت بی‌نهایت پروردگار است؛ همان‌گونه که یک نامه در دستان کاتب کاملاً منفعل است و کاتب کاملاً بر آن تسلط دارد و به راحتی و سرعت با دستان خود آن را می‌پیچد و کنار می‌گذارد، خداوند هم آسمان و تمام آنچه در آن است را به سهولت و سرعت جمع می‌کند و کنار می‌گذارد.

همچنین، با توجه به تصویری که از مشبه‌به و ویژگی‌های آن در ذهن تداعی می‌شود، پیچیدن صحیفه در انتهای کتابت بیشتر بیان‌کننده تمام‌شدن کار کتابت است؛ بنابراین، پیچیده‌شدن آسمان نیز بیان‌کننده اتمام کار آسمان و کار هر یک از اجرامی است که به صورت تکوینی در عالم دنیا مأمور به انجام آن بودند و همچنین، نشان‌دهنده تمام‌شدن هرگونه خلق و توسعه جدیدی در آسمان‌ها است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد وجه‌شبهات، در دو امر است؛ یکی خاتمه‌یافتن کار و کنار گذاشته شدن آن و دوم تسلط و قدرت کافی و در نتیجه، سهولت در انجام‌دادن آن است.

## مشبه‌به

به‌منظور فهم دقیق مشبه‌به، لازم است معنای واژگان صفوان، صلدا و وابل بررسی شود. صاحب تهنیدیب‌البلاغه واژه الصفواء، الصفوان و الصفا را با هم برابر می‌داند که هر سه واژه جمع بوده و مفرد آنها الصفاة به معنای سنگ پهن و صاف است (۱۴۲۱، ج ۱۲، ص ۱۷۵)؛ ولی صاحب کتاب العین، مفرد صفا و صفوان را صفوانه می‌داند که به معنای سنگ صافی است که چیزی را نمی‌رویاند (۱۴۰۹، ج ۵، ص ۲۹).

در کتب لغت، حجر صلد به معنای سنگ صاف و یابس است. این ماده به‌عنوان صفت برای انسان، پیشانی، زمین، اسب و ... هم به کار می‌رود؛ وقتی گفته می‌شود رجل أصلدٌ صلداً؛ یعنی مردی که جداً بخیل است و ... (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۱۱۲ و ۱۱۳). بنا بر آنچه گفته شد معنای اصلی این ماده عدم اثر یا هرگونه ثمردهی است که در رابطه با سنگ و زمین به معنای عدم رویش خواهد بود. وابل نیز به معنای باران شدید و درشت است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۷۲۰).

برخی مفسرین، تراب را در عبارت صَفْوَانٌ عَلَیْهِ تُرَابٌ، فقط خاکی می‌دانند که بر سنگ صافی قرار گرفته است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۲۹۶)؛ اما برخی دیگر قید مناسب‌بودن برای رشد گیاهان را هم اضافه کرده‌اند (طبرانی، ج ۱، ص ۴۷۷). با توجه به نظر دوم، پوشاندن صفوان با تراب در مشبه‌به، تنها به سبب این نیست که گفته شود خاک سست و نرمی روی سنگ صافی قرار گرفته که با بارش باران تند همه آن از بین می‌رود و در این صورت وجه‌شبه فقط از بین رفتن کل اثر باشد؛ بلکه جنبه معناداری دیگری دارد و آن اینکه خاک مذکور، حاصلخیز است و امید رویش گیاه در آن وجود دارد؛ برخلاف سنگ که اصلاً نمی‌توان در آن چیزی کاشت؛ بنابراین، قرارگرفتن تراب بر صفوان دلالت بر نوعی پوشاندن ماهیت واقعی و جنبه فریبندگی دارد. از طرف دیگر، ذکر نوع خاصی از سنگ که صاف و پهن است، آن هم به‌صورت جمع، زمینه برداشت

این معنا را تقویت می‌کند که این سنگ‌های سخت و پهن طوری در کنار هم قرار گرفته‌اند که وقتی با سطحی از خاک نرم پوشیده می‌شوند، منجر به فریب کشاورز می‌شوند و می‌پندارد قابلیت کشت بذر در آن مکان وجود دارد؛ اما پس از کشت در مرحله‌ای که منتظر رویش گیاه است و بارش باران، امید او را به افزایش محصول بیشتر می‌کند، به ناگاه بذر و خاک باهم شسته می‌شوند و از بین می‌روند و تنها سنگ‌هایی می‌مانند که امید هیچ رویشی در آن نیست؛ بنابراین، همچنانکه باران تند این خاک ظاهری را به‌طور کامل می‌شوید و از بین می‌برد، بی‌ایمانی هم انفاق شخص ریاکار را کاملاً از بین می‌برد؛ بنابراین، غیر از ماهیت پلیدش چیزی برایش باقی نخواهد ماند.

## هدف تصویرپردازی

با بررسی دقیق تصویرپردازی این تشبیه به دست خواهد آمد که این تصویر هم جنبه بیش‌افزایی دارد و هم بر گرایش تأثیرگذار است؛ اما هدف نهایی منتهی به گرایش انسان است و در اصلاح خلقیات نمود پیدا می‌کند.

توضیح آنکه این تصویر در گام نخست به مخاطب نسبت به عاقبت شخص ریاکار کافری که از شدت خودنمایی انفاق می‌کند و به دنبال اهداف سوئی چون کسب موقعیت اجتماعی و ... است، آگاهی می‌بخشد. همان‌گونه که بیان شد در ابتدای آیه، مؤمنینی که صدقات خود را به خاطر دو عیب منت و آزار باطل می‌کنند، به افراد بی‌ایمانی که از شدت ریا انفاق می‌کنند، تشبیه شده است. سپس برای تبیین انفاق ریاکار، تشبیه مذکور بیان می‌شود؛ بنابراین، این تشبیه همچنانکه ابن‌عاشور نیز بیان می‌کند (۱۴۲۰، ج ۲، ص ۵۲۰)، شامل حال مشبه در تشبیه اول نیز می‌شود. از سیاق آیات مشخص می‌شود محوریت بحث، تأکید بر تأثیر منت و آزار بر صدقه‌دادن مؤمنین خواهد بود؛ درواقع با تشبیهی که برای بیان انفاق شخص ریاکار و بی‌ایمان ذکر شده است، این هدف دنبال می‌شود

#### مشبهه

از نظر صاحب التحقیق، اصل واحد ماده نبت دلالت بر این دارد که چیزی به واسطه رشد، از محلی خارج شود؛ اعم از اینکه این محل، زمین یا غیر زمین و آن چیز گیاه یا غیر گیاه باشد (۱۴۳۰، ج ۱۲، ص ۲۰). در مقابل، برخی دیگر، نبت را محصور در گیاهانی می‌دانند که از زمین خارج می‌شوند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۷۸۷). با در «به» نیز سببیت است؛ بنابراین، فَاخْتَلَطَ بِه نَبَاتُ الْأَرْضِ یعنی به واسطه آب، گیاهان زمین رشد کرده و آن چنان انبوه شده‌اند که شاخ و برگ‌هایشان به سوی هم برگشته و درهم پیچیده شده است.

نقطه شروع تشبیه، مربوط به آبی است که از آسمان نازل می‌شود. طبیعتاً مرحله بعد از نزول باران، تماس یافتن با بذر یا نهال گیاهان است. سپس پیدایش و رشد تدریجی آنها؛ اما آیه به ذکر این مراحل ابتدایی نپرداخته است و مرحله‌ای که گیاهان به نحو احسن رشد و نمو کرده‌اند و به اوج سرسبزی و نشاط رسیده‌اند را بیان می‌کند و بلافاصله با جمله فَاصْبِحْ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ با سرعت به بیان سرنوشت این گیاهان پرداخته است. هشیمه از هشم به معنای شکستن چیز توخالی و خشک است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۰۵). تَذْرُوهُ الرِّيحُ نیز به معنای آن است که باد آن را بالا برد و پراکنده کرد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۲۷).

بنابراین، مشبهه به مسیر حیاتی است که گیاهان در زمین طی می‌کنند و این مسیر به صورت خلاصه مطرح شده است. در ادامه ذکر خواهد شد این تلخیص با غرض تصاویر کاملاً هماهنگ است.

#### مشبه

درباره چستی مشبه (حیات دنیا) و منظور از آن در آیه مدنظر، سه احتمال وجود دارد. احتمال اول اینکه مشبه، مسیر حیات دنیا از ابتدای خلقت تا قیامت باشد.

که به مؤمنین گوشزد کند صدقه همراه منت و آزار با انفاق فرد بی‌ایمانی که بخشش برخاسته از شدت ریای اوست، هیچ تفاوتی نخواهد داشت و اجر و آثار دنیوی و اخروی آن به طور کامل از بین خواهد رفت.

درواقع مؤمنینی که صدقه می‌دهند، اما منت و آزار بدرقه صدقه آنان است، با توجه به ایمانی که به خداوند و روز قیامت دارند، با امید به اجر الهی انفاق کرده‌اند و با توجه به آثاری که از انفاق شنیده‌اند، روی منافع اخروی آن حساب باز می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۳۸۹)؛ اما چیزی دستشان را نخواهد گرفت.

آیه مربوطه ضمن آنکه با ترسیم چنین تصویری درصدد معرفت‌بخشی نسبت به عاقبت این نوع صدقات است، به دنبال اصلاح این بینش نیز هست که گمان نشود منت و آزار اجر صدقه را به طور کامل از بین نخواهد برد و چیزی از آن باقی می‌گذارد؛ به خصوص آنکه جمله قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذًى و اسم تفضیل خَيْرٌ ممکن است در ابتدا این پیش‌زمینه را به وجود آورد که این نوع صدقه آثاری هم دارد که در برابر قول معروف و مغفرت کمتر است؛ اما با تفهم تصویرهای برخاسته از این تشبیه، مشخص می‌شود این دسته از انفاق‌ها به طور کامل از بین خواهند رفت.

با دقت عمیق‌تر به تصویرپردازی این تشبیه این نتیجه حاصل خواهد شد که هدف نهایی این تصویرپردازی مربوط به ساحت بیش‌ها نخواهد بود؛ بلکه هدف والاتری از آن دنبال شده است که همان اصلاح دو صفت رذیله نفسانی یعنی خوی منت‌گذاری و آزاردهندگی است که صدقه‌دادن مؤمنین و آثار و ثواب‌های مترتب بر آنها را به شدت تهدید می‌کند.

#### ۳-۳-۳- سوره مبارکه کهف، آیه ۴۵

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ بِه نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ

این معنا در برخی آیات قرآن مانند آل‌عمران: ۱۸۵، عنکبوت: ۶۴ و ... مشاهده می‌شود.

به‌هرحال، تصویر برخاسته از مشبه، امری مرکب است که به آن حیات دنیوی اطلاق می‌شود. وجه‌شبهه (در هر سه احتمال)، فریبندگی حیات دنیا و سرعت زوال آن است؛ بنابراین، خواننده با این تشبیه صحنه‌ای بسیار سریع از تکوین تا زوال گیاهان دلربا و خرم را مجسم می‌کند. سپس زندگی حیات دنیوی خود را که قبل از آن شناخت ملموسی از ماهیتش نداشته است، بر آن منطبق می‌کند و سرعت زوال زندگی خود و تمام فریبندگی‌هایش را به تصویر می‌کشد.

#### هدف تصویرپردازی

هدف از تصاویر ارائه‌شده در ابتدا، تبیین ماهیت حیات دنیوی انسان یعنی فریبندگی و سرعت زوال آن است؛ اما این تصاویر هدف والاتری را نشانه گرفته و آن نفوذ در احساسات مخاطب و ایجاد حس بی‌اعتمادی و بی‌رغبتی به دنیا و متاعی است که هر لحظه احتمال زوال آن وجود دارد.

#### ۴- نتیجه‌گیری

تصویرپردازی‌های بلاغی قرآن و به‌طور اخص تصویرپردازی تشبیهات، آثار و کارکردهایی را به دنبال دارد. برخی از این آثار زاینده بلاغت این فنون است و نمی‌توان آن را به‌طور قطع به‌عنوان غرض تصویرپردازی به خداوند نسبت داد؛ اما برخی از آنها در پی تحقق اهدافی شکل گرفته‌اند که عدم فهم این اهداف منجر به نقص برداشت از آیات خواهد شد.

همان‌طور که در مقدمه بحث مطرح شد، از بین ساحت‌های سه‌گانه وجودی انسان، تصاویر تشبیهات قرآنی به‌طور مستقیم بر کنش‌های انسان اثر نمی‌گذارند؛ بلکه با واسطهٔ بینش‌ها و گرایش‌ها این تأثیرات ایجاد می‌شوند. از چند آیه قرآن که بررسی شدند پنج مورد به

در آیه ۲۹ تا ۳۱ این سوره، مردم به دو دسته مؤمن و کافر تقسیم می‌شوند که عاقبت کافران آتش دوزخ و پاداش مؤمنان بهشت جاودان خواهد بود. در آیات بعد حکایتی از دو مرد مؤمن و کافر بیان می‌شود. با مرادده‌ای که بین این دو شخص صورت گرفته می‌شود، مرد کافر این جمله را خطاب به مؤمن بیان می‌کند که وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً. این عبارت بیان‌کنندهٔ شک او نسبت به قیامت است. در آیه بعد، پاسخ مرد مؤمن چنین است: أَكْفَرْتَبِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّآكَ رَجُلًا. خلقت از خاک اشاره به ابتدای خلقت انسان و شروع عالم دنیا دارد. بعد از این حکایت، تشبیه مذکور ذکر شده است و مجدداً در آیه ۴۷ به برخی از نشانه‌های قیامت از جمله حرکت کوه‌ها و از بین رفتن موانع سطح زمین اشاره می‌شود. با قرارگرفتن تشبیه این وجه در نظر گرفته می‌شود که مشابه، همان مسیر عالم دنیا از ابتدای خلقت تا قیامت است.

احتمال دوم اینکه منظور، مسیر زندگی هر شخص انسانی در این دنیاست. همچنین، با دقت به سیاق، مواردی برداشت می‌شود که این احتمال را منتفی نمی‌کند؛ نخست آنکه اصل حکایت بیان‌شده قبل از تشبیه، فراز و فرودی را بیان می‌کند که مربوط به زندگی یک شخص کافر است؛ گویا آیه با بیان این حکایت، مخاطب خود را با پذیرش فراز و فرودهای موجود در حیات دنیوی از جمله از بین رفتن اموال، آماده پذیرش فراز و فرود اصل حیات دنیوی او می‌کند. مورد دوم آنکه بلافاصله بعد از این تشبیه، به دو نعمت مال و بنون به‌عنوان زینت حیات دنیوی اشاره می‌شود و این دو، بیشتر از آنکه زیور کل عالم دنیا محسوب شوند، زینت زندگی هر فرد در عالم دنیا هستند. سومین مورد هم آنکه به نظر می‌رسد آنچه برای یک انسان مهم‌تر است و انداز مؤثرتری را به همراه دارد، اتمام زندگی شخصی او و سرنوشتی است که در دنیا بدان دچار خواهد شد؛ بنابراین، این وجه تقویت می‌شود که مراد از حیات دنیا در این تشبیه همان زندگی دنیوی هر شخص است.

احتمال سوم اینکه مراد از حیات دنیا، متاع و زینت دنیاست نه اصل دنیا یا حیات دنیوی یک شخص خاص.



بینش‌های انسان مرتبط می‌شوند که اهداف تصویرپردازی تشبیهات موجود در آنها ایجاد بینش جدید (ابراهیم: ۲۴ و ۲۶)، اصلاح بینش‌های ناصحیح (حشر: ۱۵ و ۱۶) و تکمیل بینش‌های ناقص (انعام: ۳۲) هستند. سه آیه دیگر نیز مرتبط با گرایش‌های انسان‌اند که اهداف تصویرپردازی تشبیهاتی که در آنها موجودند تکمیل باورهای ناقص (انبیاء: ۱۰۴)، اصلاح و تهذیب عادات و خلقیات مذموم (بقره: ۲۶۴) و ایجاد احساسات مفید و کارآمد برای انسان (کهف: ۴۵) هستند.

#### ۵- کتابنامه

##### قرآن کریم

ابن حجره، تقی‌الدین بن عربی. (بی‌تا). خزانة الأدب و غایة الأرب. ۵ جلد. بیروت: دارصادر.

ابن عاشور، محمد بن طاهر. (۱۴۲۰ق). التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسه تاریخ.

ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.

ازهری، محمد بن احمد. (۱۴۲۱ق). تهذیب اللغة. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

انوری، حسن. (۱۳۸۱ش). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.

البطل، علی. (۱۹۸۰م). الصورة فی الشعر العربی حتی آخر القرن الثانی الهجری. بیروت: دارالاندلس.

بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل. ۵ جلد. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

جاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر. (بی‌تا). البیان القرآنی عند الجاحظ. تحقیق: هاشم محمد هاشم. مصر: جامعة الأزهر.

جرجانی، عبدالقاهر. (بی‌تا). دلائل الأعجاز. تصحیح: محمد عبده و محمد محمود ترکیزی. بیروت: دارالکتب

العلمیه.

جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ش). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة. ۶ جلد. بیروت: دارالعلم للملایین. چمن خواه، عبدالرسول. (۱۳۸۴ش). صور خیال در نهج البلاغه. شیراز: نوید.

حمادی، جبرصالح. (۱۴۲۸ق). التصوير الفنی فی القرآن الکریم. قاهره: موسسه مختار.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲ش). لغت نامه. ۱۴ جلد. تهران: دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. بیروت: دارالقلم.

الراغب، عبدالسلام احمد. (۱۴۲۲ق). وظیفه الصورة الفنیة فی القرآن الکریم. حلب: فصلت.

الرباعی، عبدالقادر. (۱۹۹۹م). الصورة الفنیة فی النقد الشعریة. السعودیة: دارالعلوم.

روزغریب. (۱۹۷۱م). تمهید فی النقد الحدی. بیروت: دارالمکشوف.

زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۱۸ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل. الرياض: مکتبه العییکان.

سکاک، یوسف بن ابی بکر. (۱۴۰۷ق). مفتاح العلوم. بیروت: دارالمکتب العلمیة.

سیدقطب. (۱۳۸۹ش). تصویرسازی هنری در قرآن. ترجمه: زاهد ویسی. سنندج: آراس.

سیدقطب. (۱۴۱۵ق). التصوير الفنی فی القرآن. بیروت: دارالشروق.

شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰ش). صور خیال در شعر فارسی. تهران: آگاه.

صاحب بن عباد، اسماعیل. (۱۴۱۴ق). المحيط فی اللغة. ۱۱ جلد. بیروت: عالم الکتب.

صباغ، محمد بن الطفی. (۱۴۰۹ق). التصوير الفنی فی الحدیث نبوی. بیروت: المکتب الاسلامیة.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۰۲). المیزان

- محمدقاسمی، حمید. (۱۳۸۷ش). جلوه‌هایی از تصویرآفرینی در روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مدنی، علی‌خان بن احمد. (۱۳۸۴ش). الطراز الأول و الكناز لما علیه من لغة العرب المعول. مشهد: مؤسسه آل‌البيت علیهم‌السلام.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱ش). اخلاق در قرآن. ۳ جلد. قم: مؤسسه امام خمینی.
- مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مکارم، ناصر. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه. ۲۷ جلد. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- موسوی، سیدسعید. (۱۳۹۹). مرجع امنیت در فقه امامیه با تأکید بر اندیشه فقهی امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای (رساله دکتری). دانشگاه تهران. (شناسگر رکورد: ۱۸۰۹۳۶).
- نعیم الیافی. (۱۹۸۲م). مقدمه لدراسة الصورة الفنية. دمشق: وزارة الثقافة.
- ولک، رنه و وارن، اوستین. (۱۹۴۹م). نظریه ادبیات. ترجمه: ضیاء موحد و پرویز مهاجر. تهران: نیلوفر.
- فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبانہ، بدوی. (۱۳۷۷ش). بیان العربی. مصر: مطبعة الرسالة.
- طبرانی، سلیمان. (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر. ۶ جلد. اردن-اربد: دارالکتب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن. ۱۰ جلد. تهران: ناصر خسرو.
- عصفور، جابر احمد. (۱۹۶۹). الصورة الفنية فی التراث النقدي و البلاغی. القاهرة: دارالثقافة للطباعة والنشر.
- علی‌الصغیر، محمدالحسین. (۱۹۸۱م). الصورة الفنية فی المثل القرانی. بغداد: دارالرشید.
- علی‌الصغیر، محمدالحسین. (۱۴۲۰ق). اصول بیان العربی. بیروت: لبنان.
- عوضین، ابراهیم. (۱۳۹۶ش). تأملات فی بیان القرآنی: الصورة القرآنیة. منبر الاسلام، ۳۶ (۲)، ۳۸-۳۹.
- فوحی، محمود. (۱۳۹۷ش). بلاغت تصویر. تهران: سخن.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. ۳۲ جلد. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب‌العین. قم: هجرت.

## References

### The Holy Quran

Al-Batal, Ali. (1980). Image in Arabic poetry until the end of the second century AH. Beirut: Dar Al-Andulus.

Ali Al-Saghir, Muhammad Al-Hussein. (1981). The artistic image in the Quranic proverb. Baghdad: Al-Rashid House.

----- (1420). The origins of the Arabic statement. Beirut: Lebanon.

Al-Raghib, Abdul Salam Ahmed. (1422). The function of the artistic image in the Holy Quran. Aleppo: Fosselat.

Al-Rubai, Abdul Qadir. (1999). The artistic image in poetic criticism. Saudi Arabia:

فیض کاشانی، محمد. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. ۵ جلد. تهران: مکتبه الصدر.

قراملکی، احد فرامرز. (۱۳۹۸ش). قدرت انگاره. قم: نشر مجنون.

قصبجی، عصام. (۱۹۹۶م). اصول النقد العربی القديم. سوریه: جامعه حلب.

کاتب، فاطمه، یاقوتی، سپیده و مروج، الهه. (۱۳۹۷ش). کارکردهای تصویر هنری قرآن در تجسم بصری واقعه معراج. سومین همایش بین‌المللی پژوهش‌های مدیریت و علوم انسانی.

کیس، جنورگی. (۱۳۸۲ش). زبان تصویر. ترجمه فیروزه مهاجر. تهران: سروش.

- Sihah, 6 volumes. Beirut: Dar al-Elm.
- Jurjani, Abdul Qaher. (n.d). Evidence of Miracles, corrected by: Muhammad Abdo and Muhammad Mahmoud al-Tarkozi. Beirut: Scientific Books House.
- Kasabji, Essam. (1996). Fundamentals of ancient Arabic criticism. Syria: University of Aleppo.
- Kateb, Fatima; Yaquti, Sepideh and Morawej, Elahe. (2018). The functions of the artistic image of the Qur'an in the visual representation of the Ascension event. The third international conference on management and humanities researches.
- Kepes, Gyorgy. (2003). Image language, translation: Firuzeh Mohajer. Tehran: Soroush.
- Madani, Ali Khan Ibn Ahmad. (1384). First class and treasure. Mashhad: Aal ol-Beyt Foundation, peace be upon them.
- Makarem, Nasser. (1995). Sample interpretation, 27 volumes. Tehran: Islamic Books House.
- Misbah Yazdi, Mohammad Taghi. (2011). Ethics in the Qur'an, 3 volumes. Qom: Imam Khomeini Institute.
- Mousavi, Seyed Saeed. (2019). The referent object of Security in Imamieh`s Fegh emphasizing the Feghi thought of Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei. (doctoral thesis), University of Tehran. (Record ID: 180936).
- Muhammad Qasimi, Hamid. (2008). Manifestations of image creation in the traditions of Imams Athar (peace be upon them). Tehran: Scientific and cultural publications.
- Mustafavi, Hassan. (1430). Investigation into the words of the Holy Quran. Beirut: House of Scientific Books.
- Naim Al-Afi. (1982). An introduction to the study of the artistic image. Damascus: Ministry of Culture .
- Qaramaleki, Ahad Famararz. (2018). The power of the image. Qom: Majnoon Publishing.
- Dar Al Uloom.
- Anwari, Hassan. (2002). Great speech culture. Tehran: Sokhan.
- Asfour, Jaber Ahmed. (1969). The artistic image in the critical and rhetorical heritage. Cairo: Al-Thaqafa for printing and publishing House.
- Awazein, Ibrahim. (2016). Reflections on the Quranic Statement: The Quranic Image. Minbar al-Islam, 36 (2): 38-39.
- Azhari, Muhammad Ibn Ahmad. (1421). Language refinement. Beirut: Arab Heritage Revival House.
- Baydawi, Abdullah Ibn Omar. (1418). Lights of Revelation and Secrets of Interpretation. Beirut: Arab Heritage Revival House.
- Chamankhah, Abdul Rasool. (2004). Imagination images in Nahj al-Balagha. Shiraz: Navid.
- Faiz Kashani, Muhammad. (1415). Tafsir al-Safi, 5 volumes. Tehran: Sadr Library.
- Fakhr Razi, Muhammad Ibn Omar. (1420). Keys to the Unseen, 32 volumes. Beirut: Arab Heritage Revival House.
- Farahidi, Khalil Ibn Ahmad. (1409). Al-Ain book. Qom: Hejrat.
- Fatuhi, Mahmoud. (2017). Image rhetoric. Tehran: Sokhan.
- Hammadi, Jabir Saleh. (1428). Artistic depiction in the Holy Quran. Cairo: Mokhtar Institute.
- Ibn Ashour, Muhammad. (1420). Liberation and enlightenment. Beirut: The History Foundation.
- Ibn Faris, Ahmad. (1404). Language Standards Dictionary. Qom: Islamic Information Office.
- Ibn Hojjah, Taqi al-Din ibn Arabi. (n.d). Khazanato Al-Adab and Ghayato Al-Arb, 5volumes. Beirut: Sader.
- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Mokram. (1414). Arabes Tong. Beirut: Dar Sader.
- Jahiz, Abu Othman. (n.d). The Quranic statement of Al-Jahiz, investigation: Hashem Muhammad Hashem. Egypt: Al-Azhar University.
- Johari, Ismail Ibn Hammad. (1997). Al-

- poetry. Tehran: Agah.
- Tabane, Badwi. (1998). Arabic statement. Egypt: Al Resala Press.
- Tabarani, Suleiman. (2008). Al-Tafsir al-Kabir, 6 volumes. Jordan-Irbid: Kitab al-Thaghafi House.
- Tabarsi, Fazl Ibn Hasan. (1993). Majma` al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, 10 volumes. Tehran: Nasir Khosrow.
- Tabatabai, Mohammad Hossein. (1402). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Al-Alami Publishing House.
- Wellek, Rene and Warren, Austin. (1949). Theory of literature, translation: Zia Mowahed and Parviz Mohajer. Tehran: Nilofar.
- Zamakhshari, Mahmoud Ibn Omar. (1418). Al-Kashaf Al-Riyadh: Al-Ubaikan School.
- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Muhammad. (1412). Vocabulary of the words of the Qur'an. Beirut: Dar Al-Qalam.
- Roozghoraib. (1971). Introduction to marginal criticism. Beirut: Al-Makshoof House.
- Sabbagh, Muhammad. (1409). Al-Majd al-Fani in the prophetic hadith. Beirut: Al-Maktab al-Islamiyeh.
- Sahib Ibn Ebad, Ismail. (1414). Ocean in language, 11 volumes. Beirut: World of Books.
- Sakaki, Yusuf Ibn Abi Bakr. (1407). The key to science. Beirut: Almaktab al-Alamiya House.
- Sayyid Qutb. (1415). Artistic depiction in the Qur'an. Beirut: Al Shorouk House.
- (2009). Artistic illustration in the Qur'an, translated by: Zahid Veysi. Sanandaj: Aras.
- Shafi'i Kadkani, Muhammad Reza. (2001). Pictures of imagination in Persian





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی